

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال چهارم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۸۹

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۱۶

صص ۱۰۲ - ۵۵

چالش‌ها و فرصت‌های توسعه پایدار در شوشتر

نصراله پورافکاری^۱

چکیده:

توسعه مفهومی گنگ، متنوع و پیچیده است و دارای الگوهای متعددی است که تنها با استعدادهای بالقوه و بالفعل مکانها قابل انتخاب و انجام است و کشورها ناگزیر از اجرای برنامه ریزی‌های متناسب به صورت برنامه‌ریزی‌های شهری، روستایی و یا ایلی هستند و کشور ما ایران نیز از الگوهای مختلفی با توجه به امکانات موجود استفاده می‌کند. و به طور کلی برنامه ریزی‌های شهری و روستائی همگی در جهت احیاء و بازسازی کشورهاست. اصولاً در ایران برنامه‌های همسانی نسبت به توسعه استانها و منابع آن صورت می‌گیرد که در بعضی از استانها از مقبولیت بسیاری برخوردار است، ولی در بعضی مناطق، توسعه نتوانسته است خواسته‌ها و

آرمان‌های مردم را برآورده نماید، از آن جمله می‌توان به شهرستان شوشتر اشاره کرد. جهت دستیابی به این مسأله، شوشتر از ابعاد مختلف، یعنی از ابعاد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق از روش Survey (پیمایشی) استفاده گردیده است. روائی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شده و از تکنیک‌های مشاهده مصاحبه و اسنادی و تصویری استفاده شده است و در مجموع ۲۲۰ خانواده به عنوان جامعه نمونه و متناسب و پرسشنامه‌هایی تکمیل گردیده است و آنگاه از طریق SPSS و Amos Graphics پس از تحلیل اکتشافی عامل‌ها و تقسیم آنها به پنج عامل، تحلیلی عاملی تاییدی انجام گرفت و از بین مقیاس‌های متغیر پنهان توسعه ملی، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای هر کدام از پارامترها، پارامتر عدم گزایی در میان افراد با ضریب (۰.۷۲) دارای همبستگی بیشتری با نمرات سایر گویه‌ها دارد، بنابراین وزن بیشتری در محاسبات مربوط به متغیر اصلی تحقیق یعنی توسعه ملی داراست. به همین ترتیب می‌توان به مشارکت سیاسی افراد عدم قبيله گزایی آنها با ضرایب بالا (۰.۵۶ و ۰.۵۲) اشاره کرد. در مقابل شاخص میل به پیشرفت با دارا بودن ضریب (۰.۱۸) دارای همبستگی کمتری با نمرات توسعه ملی است، بنابراین این گویه وزن کمتری را در تعریف متغیر پنهان ما نسبت به سایر گویه‌ها را داراست.

واژه‌های کلیدی: توسعه، شوشتر، مشارکت سیاسی، مسایل فرهنگی، تقدیر گزایی، قبيله گزایی، سنت گزایی، میل به پیشرفت و توسعه

مقدمه:

از سال ۱۳۶۰ به بعد مفهوم توسعه جهان را تکان داد. همه کشورهای برای آن که در طبقه بندی توسعه، در ردیف توسعه نیافتگان قرار نگیرند، آخرین تلاش خود را در بهبود وضع معیشتی و رفاهی مردم مبذول داشتند. از طرفی اکثر مجریان برنامه‌ها از چهارچوب آنچه رشد، یا رفاه عنوان می‌شد، اطلاعات کافی نداشتند و در هاله‌ای از هیجان تعالی و احیاء قرار داشتند،

که بلکه راهی برای قرار گرفتن در مسیر آن پیدا کنند. بعد از سالها همانگونه که ملاحظه می‌شود عده‌ای با تلاش‌ها و مدیریت‌های لازم ارتقا یافتند، ولی بسیاری اگر چه تحرکاتی مطلوب در آنان دیده می‌شد، اما از توسعه واقعی فاصله زیادی داشته‌اند.

هنگامی که علل رشد و توسعه سریع کشورهایی را که بدان دست یافته‌اند، مطالعه می‌گردد، از لابه‌لای اسناد و برنامه ریزی‌های آنان در می‌یابیم که چگونه و از چه راههایی به توسعه مورد علاقه خود دسترسی پیدا کرده‌اند.

امروزه می‌گویند توسعه ابتدا باید در ذهن انسانها شکل بگیرد و در غیر این صورت توسعه‌ای صورت نخواهد گرفت. راه رسیدن به این هدف، مستلزم داشتن آموزش‌های لازم است. در حقیقت آموزش و پرورش اساسی‌ترین نقش‌ها را در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق ایجاد محیط و فرهنگ مناسب برای توسعه و تربیت نیروی انسانی ماهر، و ایجاد شیوه‌های مدرن کسب، انتقال، گسترش توسعه دانش فنی و نظری در جهان توسعه یافته ایفا می‌کند. عده‌ای دیگر توسعه را در آزادی جستجو می‌کنند، یعنی برای توسعه ابتدا محیطی آزاد مورد نیاز است تا با ابراز عقاید، از تضارب عقاید فایده‌ای حاصل آید. و مسلم است که شکوفائی ذهن‌ها در بستر محیطی آزاد، می‌تواند میسر باشد. همچنین شناخت تغییرات به ویژه شرایط محیطی در مراحل توسعه، بسیار مهم می‌نماید، زیرا هر نوع سیاست‌گذاری با هدف ایجاد تغییرات در جهت مطلوب، باید با توجه به این امر و آگاهی صورت گیرد که درجه اهمیت عوامل مختلف شرایط محیطی، در طول زمان تغییر می‌کند. مثلاً یک دوره ممکن است عوامل اقتصادی مهمترین بُعد شرایط محیطی را تشکیل دهد. در حالی که در دوره‌ای دیگر عوامل اجتماعی جای آنها را خواهد گرفت.

نهایتاً این که، توسعه دارای شاخص‌های بسیار متعددی است که بحث بر سر تک تک آنها به درازا می‌کشد. می‌توان گفت هر توسعه‌ای نیازمند توجه به عناصر مولد آفرینندگی و خلاقیت‌های درون‌زا و مبارزه‌پی‌گیر، با خرده فرهنگ‌های منحط، مبتذل و تنبل‌پرور است

که در تضاد واقعی با بینش، تفکر و باورهای علمی قرار دارند. همانطور که توسعه بهنجار، موجود و ابقا کننده غرور مذهبی و هم ملی است. (مهران، سهراب زاده، ۱۳۷۳، ۳۹)

بیان مسأله

موضوع از هر کجا که شروع گردد، به توسعه و تکامل منتهی خواهد شد. یعنی چالش‌ها و فرصت‌هایی که شوشتر از آنها برخوردار است، تنها در محدوده توسعه می‌تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. اما سوال این است که چه و کدام توسعه مورد نظر است؟ برای دستیابی به پاسخ اضطراراً باید به چگونگی به وجود آمدن این مفهوم در دوره‌هایی از تاریخ که همه افکار و اندیشه‌های دانشمندان را به خود جلب کرده بود، پرداخته گردد. زیرا آنچه ما امروز به دنبال آن هستیم، این است که آیا عواملی بازدارنده و شتاب دهنده توسعه در شهرستان شوشتر مشخص شده‌اند؟ آیا این شهر به صورت متوازن تغییر کرده است یا نه؟ توسعه شوشتر به مثال عامیانه‌ای مانند است که راننده‌ای، با یک مینی بوس، با تعدادی مسافر، وارد روستا می‌شود، ولی به عللی وسیله نقلیه در میان آبهای استخرمانندی که در وسط روستا قرار دارد، جا می‌گیرد و هر کسی خود را از آب به بیرون می‌اندازد. یکی به راننده که مبهوت و فیلسوف وار ایستاده و نظاره می‌کرد، می‌گوید: به چه فکری فرو رفته‌ای، کمک کن تا کودکان سریع‌تر از برکه بیرون بیایند؛ جواب می‌دهد. به این فکر می‌کنم که گواهی نامه درجه یک، موتور وسیله نقلیه تازه تعمیر، و از همه مهمتر راننده (حسن!) پس چرا این ماشین در برکه فرو رفته است؟ در حال حاضر نیز می‌توان به وضوح دید که شوشتر با این قدمت تاریخی، مرکزیت، با وجود رودخانه کارون و دشت‌های پربار، چرا از توسعه نصیب چندانی نبرده است. این همان مقوله‌ای است که به دنبال آن هستیم.

آنچه مشخص است این است که ترکیب جمعیتی همگونی در شوشتر دیده نمی‌شود، اگر چه مهاجرین نیز، شهروندی شوشتر را پذیرفته‌اند، لکن هنوز با توجه به تنوع اعتقادات،

باورهای موجود میان آنها، ناسازگاری هائی مشاهده می گردد و جدائی گروه ها و تقسیم بندی شهر بر محور اقلیمی - قومی، همشهری، در آینده دور می تواند مسأله ساز باشد، همانطور که در شهرهای مشابه شوشتر ملاحظه می شود.

مهاجرت در این نتیجه یابی ها بسیار مهم و ارزنده است و در حقیقت شوشتر از هر جهت مانند معادلات اقتصادی دچار بده و بستان است. مسئولینی که تا کنون در این منطقه مسئولیتی داشته اند، هر کدام دلایلی مطرح می کنند که در حین عمل بوجود آمده است. بعضی ها عدم امکانات، عده ای فرهنگ سنتی مردم را و بعضی ها گذشته دور را مورد انتقاد قرار می دهند. نهایتاً دو مسأله در این زمینه بسیار مهم به نظر می رسد که توجه محقق بیشتر بر آن محورها بوده است:

۱- مسأله فرهنگی: متأسفانه بنظر می رسد که فرهنگ پیچیده این منطقه، همچون مانعی در برابر توسعه اقتصادی عمل می نماید. یعنی حالت بازدارنده دارد که باید ریشه آنها را در گذشته دور آنان نظیر عدم علاقه به پیشرفت و توسعه برخوردارهای قومی، که متأسفانه این مناطق به آن مبتلاست، پدرسالاری و نهایتاً دریافت های ذهنی در مورد مسائلی که از جهان بینی آنان سرچشمه می گیرد، جستجو کرد.

۲- مسائل اجتماعی: به علت وجود نابرابری های موجود در اجتماع این نواحی، متأسفانه بیکاری و کم کاری و تن ندادن به کارهای فکری، در پهنه زندگی آنان دیده می شود که همگی از عوامل بازدارنده به نظر می آیند.

ضرورت و اولویت

از دهه ۶۰ به بعد، بیشتر تفکرات اندیشمندان بر محور توسعه و توسعه نیافتگی بوده است و در نتیجه نظریه های گوناگونی جهت شکل گیری و دریافت رفاه و آسایش بشر به وجود آمده است. امروزه کشوری نیست که برنامه های ویژه ای را در مورد توسعه تجربه نکرده باشد و

هنوز هم می توان گفت علی رغم آنکه بسیاری از شاخص های توسعه مشخص گردیده است، لکن دستیابی واقعی به آن، با توجه به امکانات و یا استعدادهای بالقوه و بالفطره، با اشکالات و ابهاماتی روبرو است که ایران نیز از این تجربه بی نصیب نبوده است. امروزه مسأله پیچیده و گسترده تر شده و تنها توسعه اقتصادی غالب منظور نظر نیست. بلکه توسعه فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و از همه مهمتر سیاسی به آن علاوه شده و مسأله را چند بعدی نموده است.

شوشتر نیز با توجه به امکانات موجود رشد می کند ولی عوامل بازدارنده آن بسیار است و بارها این مسأله آزمون شده است. اما چنانچه تحقیقات موجود تکرار نگردد و آزمون های مجدد در آن صورت نگیرد، توسعه همه جانبه غیر مقدور می گردد. بدان جهت است که در شوشتر مطالعات دقیق توسعه، از ضرورت برخوردار است.

شوشتر از مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی رنج می برد و با نگرش به میزان مرگ و میر کودکان و سرقت و دزدی و اعتیاد، بیکاری این مسأله دقیقاً تأیید می گردد. اما از میان این همه مسائل به نظر می رسد مطالعات توسعه می تواند اکثر این مسائل را در بر گیرد و آنها را برای دستیابی به موقعیتی مطلوب پوشش دهد و بدانجهت جهد خواهیم کرد، توسعه را از ابعاد مختلف در این شهر مورد توجه قرار داده و به زوایا و گوشه های نامطلوب آن پی ببریم. در این میان آنچه مهم است، این است که ابتدا باید دید گاههای نظریه پردازان و یا جامعه شناسان را مورد مذاقه قرار داده و نوع غالب و مطلوب آن را که با توجه به شرایط بومی شوشتر تناسب دارد، انتخاب نماییم. در گذشته از جامعه شناسان دورکیم تقسیم کار اجتماعی را در توسعه مورد تأکید قرار می داد. آگوست کنت تغییر اجتماعی را نتیجه توسعه اندیشه انسان فرض می کند و نهایتاً ماکس وبر، که توجه خود را بر جنبه های مذهبی و معنوی افراد و تأثیر آن در زندگی مادی مردم متمرکز می نماید. آنچه مورد نظر ماست، تحلیل همه نظرات برای پیدا کردن الگویی متناسب با مشخصات جغرافیایی اقتصادی و اجتماعی شوشتر است.

اهداف تحقیق

هر تحقیقی به منظوری آراسته و پرداخته می گردد که در نهایت بتواند به آن آرمان واقعی دسترسی پیدا کند. در این نوع تحقیقات هدف های خواسته شده معمولاً بسیار است لذا همیشه جهد می شود تعدادی از آنها که ضروری است در برنامه تحقیق گنجانده شود. در این تحقیق نیز از این اندیشه و روش استفاده شده است و در نهایت اهداف زیر مورد نظر بوده است:

اهداف اجتماعی:

۱- توسعه با گسترش آگاهی ها و بینش های مردم، دیدهای آنان را در امور زندگی اجتماعی نظیر تسلط بر مفهوم آزادی های سیاسی، اجتماعی، مشارکت ها، احساس های انسان دوستانه افزایش می دهد.

۲- توسعه با عقل و تفکر ارتباط دارد، و بدین ترتیب بر نحوه تفکر انسان ها جهت دستیابی به زندگی بهتر، اثر می گذارد.

۳- توسعه: مسائل فرهنگی منطقه را که دچار آسیب های تاریخی گشته است اصلاح می نماید (نظر تقدیر گرائی و ...)

۴- توسعه به خواسته ها و آرمان های مردم دامن زده و میزان آن را ارتقا می دهد که خود موفقیتی برای مطلوبیت خواسته های زندگی است و ارزش ها را نیز بالا می برد.

۵- اهداف اقتصادی: دسترسی به رفاهی مطلوب و امید زندگی متوازن و بالاخره دسترسی و توان پاسخگویی به ضرورت های زندگی و در نهایت توسعه علم.

اهداف کاربردی

۱- این تحقیق می تواند جهت آگاهی و استفاده مسئولین امر مورد استفاده قرار گیرد.

۲- آگاهی ها را بالا برده و سبب تعقل گردد.

۳- با بیان و تشخیص مشکلات، شهروندان را آرامش دهد.

۴- بالاخره با ارائه طریق هائی می تواند از رنج جوانان بکاهد.

روش شناسی و روش تحقیق

در تحقیقات علمی، یک سری اصول و الزامات ضروری وجود دارد که اضطراراً باید از آنها تبعیت نمود. یکی از آنها روش بررسی تحقیق است. هر موضوعی نسبت به شرایط خود راهی را برای رسیدن به نتیجه و دستیابی به حقیقت موضوع طلب می کند. در این بررسی نیز بعد از تثبیت موضوع و متغیرهای لازم، از میان روش ها به Survey یا پیمایشی رو آوردیم. پیمایشی اگر چه از روی پرسشنامه های تکمیلی ارزیابی می گردد. لکن به صورتی است که مسأله با مشاهده و مصاحبه و تقابل های چهره به چهره نیز آزمون می شود. در نتیجه به مجموعه ای از روش ها تبدیل می گردد. چنانچه در این تحقیق هدف تنها دسترسی به ماهیت توصیفی عوامل بازدارنده و شتاب دهنده توسعه نیست، بلکه پیدا کردن اثرات تک تک آن عوامل، با میزان اثرات آن مد نظر است که در تصمیم گیری های دقیق تر از آن استفاده گردد. در اینجا آنچه به نظر می رسد وجود فرضیاتی است که برای دستیابی به آن در ابتدا منظور گردیده است:

فرضیه ۱: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و مشارکت سیاسی افراد رابطه وجود دارد

فرضیه ۲: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و مسایل فرهنگی افراد رابطه وجود دارد

فرضیه ۳: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و عدم تقدیر گرایی افراد رابطه وجود دارد

فرضیه ۴: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و عدم سنت گرایی افراد رابطه وجود دارد

فرضیه ۵: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و عدم قوم گرایی افراد رابطه وجود دارد.

تعریف عملیاتی مفاهیم

هر تحقیقی با تعدادی متغیرها که اساس و بن مایه های تحقیق را تشکیل می دهند، انجام می گیرد. این متغیرها، می تواند در میان رشته های مختلف علوم ارتباطی در معانی مختلفی بکار رود، چرا که این متغیرها دارای بار فرهنگی بوده و در هر تحقیق در معنای ویژه ای بکار گرفته می شود. به طور مثال وقتی مفهوم فقر عنوان می شود، باید محقق، در آن معنی ویژه ای را که در نظر دارد، از میان تعاریف بدست آورده انتخاب و مشخص نماید و گرنه نمی توان به یقین اظهار داشت کدام فقر؟ آیا کسی که حتی روزانه ۱۰۰ گرم گوشت نمی خورد؟ یا کسی که در واحد سطح محصول لازم را به دست نمی آورد؟ و یا کسی که درآمدش از میانگین جامعه کمتر است؟! برای پرهیز از ابهامات، جهد شده است در استفاده از مفاهیم مفهوم واقعی تری انتخاب شود.

توسعه^۱

توسعه در گذشته اساساً بر رشد اقتصادی، پایه گذاری شده است، در حالی که توسعه، روندی است جامع و فراگیر که تمامی وجوه زندگی انسان را در بر می گیرد. از این جهت توسعه واقعی، توسعه ای است متوازن که در آن حوزه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به صورت اجزای به هم پیوسته در یک کل، به گونه ای همزمان تحول می یابد. دکتر توسلی، توسعه را چنین می پندارد: توسعه در معنای عام، فرایند تحولی پیچیده و همه جانبه ای

است که در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می دهد و آن را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت می کند. (هریسون، دیوید، ۱۳۷۶، ص مقدمه)

پذیرش مفهوم جدید توسعه و تلاش در جهت تحقق آن، قبول ویژگی های عصر عقلانیت و خردورزی است و در آن کنش منطقی، حسابگری و برنامه ریزی نهفته است. برای تنظیم روند هر نوع توسعه لازم است که بین اهداف و وسایل دستیابی به آنها، هماهنگی ایجاد شود و از تمامی امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به صورتی مطلوب و حساب شده بهره برداری شود. (هریسون، دیوید، ۱۳۷۶، ص مقدمه)

توسعه پایدار^۱

فدریکو مایر، دبیر کل پیشین یونسکو، در پیامی به اجلاس مجمع سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۹۷ بر سه رکن آموزش، دموکراسی و صلح به عنوان کلیدهای توسعه پایدار تأکید کرد و از جمله یادآور شد که کلید توسعه پایدار، آموزش است. آموزشی که از طریق ابزار و تکنولوژیهای جدید به کلیه اعضای جامعه گسترش یابد و بتواند فرصت های آموزشی را در طول عمر برای همگان تضمین نماید. به طور کلی گسترش صنایع، خدمات، به وجود آمدن کلان شهرها، افزایش جمعیت و تأمین نیازمندی های پایه ای انسانی، به معنی از میان رفتن بخشی از منابع تجدید نشدنی است و این امر منافع، ظرفیت ها و توانائی های نسل فردا را سخت به خطر می اندازد. پس توسعه پایدار توسعه ای است که عدالت واقعی را در استفاده از استعدادهای بالقوه و بالفعل برای فرزندان آینده کشور معمول دارد و نیز می توان گفت توسعه پایدار یعنی استمرار توسعه و پیشرفت در یک جامعه، به نحوی که منافع مادی و معنوی متعلق به نسل های بعدی را نابود نسازند (قراگرزلو، ۱۳۷۹، ص ۳۹).

توسعه اقتصادی^۱

توسعه اقتصادی رشد و تعالی مستمر اقتصادی یک جامعه برای رسیدن به یک رفاه فردی و اجتماعی است. این دگرگونی تنها از طریق تحولاتی شکل می گیرد که از بنیان های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه حاصل آمده باشد.

توسعه سیاسی^۲

مقصود از توسعه سیاسی، که یکی از ارکان مهم توسعه عنوان می گردد، فراهم کردن امکان مشارکت سیاسی شهروندان است. البته هر جامعه با ترکیبات متمایزی از وفاداری ها و وفاق ها حفظ می شود، اما آنچه در بطن توسعه سیاسی در یک کشور می گذرد، همان فرآیند اجتماعی شدن در جهت یکپارچگی جامعه است.

توسعه فرهنگی^۳

توسعه فرهنگی عبارت است از بسط امکان مشارکت فرهنگی مردم که با مشارکت آنها در فعالیت های فرهنگی فراهم می آید. اولین گامهای این امر، سوادآموزی و آموزش عمومی مردم است از طریق توده ای کردن مصرف کالاهایی نظیر: کتاب و ایجاد نمایشگاهها و جشنواره های تئاتر و ...

انگیزه نیاز

نیاز یک ارزش اجتماعی است و عبارت است از دستیابی به برتری به کمال فردی و اجتماعی. فردی که برای رسیدن به تعالی فردی و اقتصادی و اجتماعی تمایل و آمادگی دارد. مانند تمایل رسیدن به یک مقام، ثروت و منزلت اجتماعی.

1 - Economic development
2 - Political development
3 - Cultural development

درگیری های قومی

درگیری هائی است که مابین اقوام متعددی که در نزدیکی هم زندگی می کنند پدید می آید. اکثر ریشه این اختلافات از تعصبات بی دلیلی پدید می آید که در بطن فرهنگ اقوام نهفته و اکثراً به آنها پایبند هستند.

مشارکت

نوعی رفتار سیاسی - اجتماعی است که در آن رفتارهای جمعی انسان ها جهت دستیابی به یک موقعیت عمومی در مسیری همسو قرار می گیرد و نفع همگانی را سبب می گردد. مشارکت، اعتماد به نفس شهروندان را بیشتر کرده و با ایجاد وحدت، انسجام اجتماعی آنان را تقویت می نماید.

انسجام اجتماعی

همانطور که شکوفائی و شوکت انسان ها از درون شکل می گیرد، زوال آنها نیز به سبب نداشتن همبستگی و یگانگی آنهاست که در توسعه از اهمیت والائی برخوردار است.

رسوم اخلاقی

رسوم اخلاقی به برخی از آداب و رسوم و قواعد اخلاقی یک جامعه که به آن رفتارها پایبند و علاقمند هستند و در پایداری آن کوشش می کنند، اطلاق می گردد.

نوسازی یا مدرنیته^۱

مدرنیته طرز فکری است در مقابل سنت گراهایی که افراد را به کردارهای فعالانه خاصی سوق داده و با تعقل و اندیشه به جای ارزش های سنتی، ارزش های جدیدی را در مقیاس وسیع

تری قرار می‌دهد و با بها دادن به کارهای سخت، با اسراف، تبلی، قضا و قدری بودن و ترجیح فراغت بر کار، مبارزه می‌نمایند.

ادبیات تحقیق

تحقیقات پراکنده‌ای در زمینه‌های مختلف توسعه از ابعاد مختلف صورت گرفته است. متأسفانه اکثر آنها در چارچوب علمی یک تحقیق قرار ندارند و بدان جهت با اطمینان نمی‌توان به آنها تکیه کرده و آنها را مورد نقد قرار داد. در اکثر موارد، احساسات و نظرات شخصی، بخصوص تعصبات بی‌جا، بررسی را از حالت علمی جدا ساخته است. در میان این نوشته‌ها و تحقیقات گاهی جرقه‌های ذهنی مقبولی را می‌توان یافت که به صورت علمی عنوان شده‌اند. ولی به علت آنکه پراکنده و بخشی است لذا نمی‌توان آنها را در ردیف تحقیقات توسعه عنوان کرد.

در مؤسسه‌های تحقیقاتی و سازمانهای اداری و تحقیقاتی دولتی که توسعه کشور را در اختیار دارند، بررسی‌هایی به صورت کلان انجام شده است و اکثراً به صورت محرمانه باقی مانده‌اند. و ای کاش این بررسی‌ها در اختیار دیگر محققین قرار می‌گرفت و مورد نقد قرار می‌گرفت.

یک سری تحقیقات پایان‌نامه‌ای در دوره‌های دکترا و ارشد عنوان شده است که بعضی از آنها به علت دسترسی به روش‌های تحقیق درست و مطلوب به نتایجی دست یافته‌اند، که قابل تأمل است. در خارج از کشور نیز، در مورد ایران بررسی‌هایی صورت گرفته است که اکثر بنیادی هستند و در سطح کلان انجام گرفته است و چنانچه به این تحقیقات دسترسی حاصل گردد بسیار مفید می‌تواند واقع شود. برای سادگی مطلب به طبقه‌بندی زیر اکتفا می‌کنیم:

۱- تحقیقاتی که در داخل ایران، یعنی در دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های تحقیقاتی و مراکز پژوهش‌های علمی انجام گرفته‌اند.

۲- تحقیقاتی که در بیرون از ایران انجام گرفته‌اند، که به دو صورت ۱- تحقیقات بنیادی ۲- تحقیقات محلی می‌توان عنوان کرد.

الف - تحقیقات انجام شده در داخل ایران

صادقی ده چشمه، (۱۳۸۷) در بررسی جامعه شناختی مسأله اجتماعی - فرهنگی توسعه در شهرستان فارس، پژوهشی برای دریافت دکترای در دانشگاه اصفهان انجام شده است. محقق سه مقوله جامعه، فرهنگ و مدرنیته را شاخص پنداشته و از تئوری نوسازی استفاده کرده است. ابزار تحقیق پرسشنامه و از روش Survey استفاده شده است اساس هدف ایشان بیشتر به عوامل بازدارنده اجتماعی و فرهنگی مربوط بوده و مسائل زیر را در این مورد در بوطه آزمون قرار داده است. با متغیرهای مستقل قوم گرایی، سنت گرایی، قبیله گرایی، آخرت گرایی را که از اهداف اساسی تحقیق انتخاب شده است.

وی برای سخن متغیرها تعداد ۲۰۷ سرپرست خانوار را انتخاب نموده و بر اساس عوامل آزمونی نظیر ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیر، به بررسی آنها پرداخته است. چنین به نظر می‌رسد که مابین این عوامل اجتماعی - فرهنگی و عدم توسعه در این شهر رابطه معنی داری وجود دارد. زیرا بررسی نشانگر آن است که عوامل فرهنگی نظیر، نگرش منفی نسبت به زنان - عدم برخورداری از امکانات فرهنگی، مشارکت سیاسی، نیاز به پیشرفت و ریسک پذیری، بیشتر مؤثر بوده است. در نهایت نامبرده چنین نتیجه گیری می‌کند که در این منطقه، باید دیدگاهها و بینش های منفی که در جامعه به فراوانی مشاهده می‌گردد، اصلاح گردد. و به منطقه، ابزار عقلانیت، انتقاد، شادی، و از همه مهمتر توجه به امور دنیائی و بالآخر سایه روش هائی از مدرنیته تزریق گردد. بررسی از یک روش علمی برخوردار بوده و به نتایج آن می‌توان با شناختی که از منطقه وجود دارد، اطمینان کرد این تحقیق از یک منبع علمی و جدید برخوردار است که به یکسری مزایای تحقیق افزوده است.

بررسی موانع فرهنگی اجتماعی توسعه روستاها در لرستان پژوهشی است که توسط استاد عزت الله سام آرا و همکارانش انجام گرفته است. در این تحقیق نزاع های جمعی - ازدواج های زودرس، فقدان گسترش آزادی های لازم در نظام مدیریتی و به عنوان متغیرهای اصلی در نظر گرفته شده است که با روش مقایسه ای مابین روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته با نمونه گیری خوشه ای، شکل گرفته است. این تحقیق از یک روش علمی برخوردار بوده و در شرایط سخت آن منطقه به نتایج رسیده است که می تواند مورد استفاده مسئولین قرار گیرد. سام آرا علت توسعه نیافتگی روستاها را در مسائل اجتماعی فرهنگی آن منطقه می داند و معتقد است که در منطقه باید جهت برقراری روابط و حقوق اجتماعی و امکانات آنها برنامه ریزی های جامعی صورت گیرد.

چندین پایان نامه ارشد نیز در این زمینه انجام گرفته است که به بعضی از آنها اشاره می گردد:

۱- خالد توکلی: عوامل فرهنگی، اجتماعی، توسعه روستائی در شهرستان سقز. (۱۳۷۵)
برای این بررسی توکلی از نظریه وابستگی - خرده فرهنگ دهقانی راجرز و همچنین از نظریه نوسازی استفاده کرده است. روش بررسی آن شبیه روشی است که آقای سام آرا انتخاب نموده اند، یعنی روستاها به دو گروه دارای امکانات ضروری و فاقد امکانات لازم تقسیم گردیده و به صورت مقایسه ای با نمونه گیری طبقه ای، در میان کلیه خانوارهای روستائی سقز انجام گرفته است.

آنچه در این تحقیقات مشخص است، داشتن رابطه معناداری عدم توسعه با فرهنگ سنتی منطقه است. راه های پیشنهادی در میان مدت و یا ضربتی نمی تواند کارساز باشد، باید راههای تجربه شده و موفق را، انتخاب نمود.

۳- باز هم در همان زمینه تحقیقاتی آقای سام آرا، در همان منطقه در سال ۱۳۷۸ تحقیقی توسط مراد بوژانی انجام گرفته است که تقریباً می توان گفت نتایج مشابهی بدست آمده است.

۴- عباس حدادیان - عوامل بازدارنده فرهنگی و اجتماعی توسعه در خمینی شهر.

این بررسی در سال ۱۳۷۵ در خمینی شهر انجام گرفته است. تحقیق به صورت علمی و مقایسه ای شکل گرفته و از نمونه گیری خوشه ای و در داخل خوشه ها نیز از نمونه گیری سیستماتیک بهره گیری شده و همانطور از نظریه های وابستگی و نظریه راجرز استفاده شده است. از آنجا که در توسعه و تحولات آن از ابتدا فرهنگ هدف قرار گرفته، اکثر تحقیقات از روش مشابه و حتی نتایج مشابه برخوردار بوده اند. و مجموعه این بررسی ها می تواند افق روشن تری در برنامه ریزی ها بگشاید. علاوه می نماید که تحقیق از انسجام مطلوبی برخوردار است، نامبرده شاخص های بررسی شده را جهت مقایسه رتبه آنها در دیگر شهرستانها، مشخص و با هم مقایسه کرده است.

در خارج از ایران نیز تحقیقی با عنوان زیر صورت گرفته است.

An analysis of the underdeveloped Rural and nomadic Areas of Iran (Hossein Golabian)

این تحقیق در مورد توسعه نیافتگی روستاها و عشایر ایران در سال ۱۹۷۷ در استکهلم در رویال انستیتو Royal institute of technology بررسی و چاپ شده است. تحقیق از ابتدا دارای نقشه های بسیار مستدل در مورد ایران است. پژوهشگر در میان مناطق ایران ۳ منطقه رفسنجان، بیجار و سراب را انتخاب نموده است. مسائل و عوامل روستاهای این مناطق را از ابتدا، یعنی خاک، آب، تا مدرنیزاسیون و اصلاحات ارضی و اثرات آنها در توسعه بررسی نموده و حتی کارهای عملیاتی که در کشاورزی انجام می گیرد را دقیقاً به تصویر کشیده و مشکلات و عواقب آنها را متذکر شده و در نتیجه چنین اظهار نظر می کند: چون توسعه مطلوبی صورت نگرفته است، علل فراوانی را باید کاوید و اصلاح کرد. در این تحقیق پروفیسور Por Holm و Ernk Wiren مقدمه ای نوشته و آن را از نظر علمی ستوده اند. تحقیق، نمونه ای از یک بررسی علمی تمام عیار است که می تواند نمونه ای برای پایان نامه ها و تحقیقات در ایران باشد. محقق در مقدمه، از تأثیر توسعه به مسائل اجتماعی، اقتصادی، تاریخی

و فیزیکی در ساخت اجتماعی ایران اشاره می‌کند. تحقیق ۶۰ - ۵۰ تصویر - نقشه، نمودار و جدول را به همراه دارد که هر کدام الگو و نمونه ای برای انجام تحقیقات است. بررسی موانع فرهنگی توسعه با نگاه ویژه به استان ایلام - به کوشش علی موسی نژاد - مجموعه مقالات ۱۳۸۳ ایلام - اداره ارشاد اسلامی.

مجموعه مقالاتی در مورد موانع توسعه، در ۲۴ مقاله که اکثر آنها تحقیقی هستند. در سال ۱۳۸۳ در ایلام انجام گرفته است. اکثر مقالات از منابعی مشابه استفاده کرده اند و سیر تئوریه‌ها تقریباً یکی است، یعنی از افزایش درآمد شروع شده و به رفاه عمومی منتهی شده است. نویسندگان تعدادی از مقالات از استادان جامعه شناسی بوده اند که دقیقاً به علت گرایش به ابعاد فرهنگی توسعه و طرح نظریه های جامعه شناختی، شاخص به نظر می‌رسند. در این تحقیقات داده های آماری، برگرفته از منطقه تحقیق و تحلیل صحیح آنها، بسیاری از مقالات را قابل استفاده کرده است.

در تعدادی از مقالات به موانع فرهنگی عمیقاً پرداخته شده است. به سنت ها و نقش بازدارندگی آنها، با نمونه های مثالی موضوع را بررسی و به چگونگی رفع آنها نیز اشاره کرده اند. پیشنهادات اکثراً عمومی بوده و قابل اجرا نیستند، و تحقیقات عمیق تری را می‌طلبند. واقعیت این است که اکثر کتابهای توسعه، ترجمه از زبانهای خارجی هستند. و بحث های نظری و الگوهای ارائه شده در مورد جهان سوم بوده است و اگر نوسازی مطرح شده، آمریکا و ژاپن نمونه مشابهی آن بوده‌اند. در اکثر مقدمه‌ها و مدخل مقالات با استفاده از این نوشته‌ها سخن زیاد رفته است ولی از سال ۶۰ به بعد مسائلی مطرح گردیده و به نوسازی و فراز و نشیب آن پرداخته‌اند و در این مجموعه مقالات کمتر کسی در مورد اشکالات نوسازی سخن گفته است. ای کاش اندکی هم در مورد تعقل، اسراف‌گری، تبلی و کار واقعی صحبت می‌شد. در هر حال این سمینار که کلاً در مورد توسعه بوده، خالی از فایده نبوده و بعضی از مقالات می‌تواند مورد استفاده دانشجویان به عنوان منبعی علمی قلمداد گردد.

چشم انداز نظری توسعه

با توجه به ابعاد مختلف توسعه، سیاستگذاران در گذشته هر کدام، با توجه به ابعادی، دیدگاه یا نظریه خود را عنوان نموده اند. در طبقه بندی، برای بهره مندی بیشتر، می توان سه نگرش کلی را در مورد توسعه عنوان نمود.

۱- **مکتب تکاملی توسعه**، که در آن بیشتر به نظریات جامعه شناسان تکامل گرا نظیر: اسپنسر - ویر - دورکیم - تونیس پرداخته می شود.

۲- **نظریه نوسازی**، که در آن چنین پنداشته می شود که در گذشته اکثر ممالک یک شرایطی سنتی داشته اند و در آینده نیز به هم نزدیک خواهد بود. یعنی از سنتی به مدرنیته تبدیل خواهند شد. نظریات نوسازی را از لحاظ اقتصادی - روانی - اجتماعی می توان مورد بررسی قرار داد.

۳- **نظریه وابستگی**، که در آن به شرایط داخلی و عامل تسلط خارجی تکیه می گردد.

مکتب تکاملی توسعه:

تکامل نظریه ای است که بر حسب آن حیوانات و نباتات با تغییرات و تبدیلات تدریجی و مستمر از صورت اولیه به صورت کنونی درآمده اند. داروین نیز نظریه تکاملی خود را که به داروینسم، معروف است، در سال ۱۸۵۹ در بنیاد انواع عرضه داشت، البته این نظریه امروزه بسط و توسعه یافته است.

اندیشمندان و جامعه شناسان متوجه بودند که در جریان تغییرات عمده اجتماعی، که به شدت ساختار جامعه را تغییر می دهد، تکاملی جریان دارد و جوامع از لحاظ اتخاذ مواضع مختلف در گستره تکامل، از هم باز شناخته می شوند.

بسیاری از عوامل اصلی تکامل مربوط به دوره قرن نوزده را می توان در آثار دورکیم، به خصوص در کتاب تقسیم کار اجتماعی او، مشاهده کرد. اصول و اساس این نظریه بر این اصل استوار است که جامعه بشری از آغاز تا به امروز ثابت نبوده و تغییر و تحول یافته است. به

عبارت دیگر اصل حرکت یا پویائی، اساس و زیربنای این تئوری را تشکیل می‌دهد. بر طبق آن هیچ چیز در جهان هستی ثابت نیست، همه چیز تغییر می‌کند، اعم از جاندار، بی جان و پدیده های اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی. (کارشناس مجید ۱۳۷۶، ۱۳۹).

در این میان دور کیم از این موضع آگاه بود که تکامل از یک نوع همبستگی اجتماعی به نوع دیگر بطور خودکار انجام نمی‌شود. از نظر او جوامع از مراحل پائین به بالا تکامل یافته و از ساده و غیر متمایز به پیچیده حرکت می‌کنند. از طرفی عده‌ای اظهار می‌داشتند که تئوری های تکامل برای توضیح و توجیه تغییرات اجتماعی کافی نیست. و هنگامی که تکامل گرایان انتقال فرهنگ را در طول زمان دنبال می‌کردند، اشاعه گرایان نحوه انتقال آن را در خفا، از طریق واکنش های اجتماعی بررسی می‌کردند، نتیجه اینکه مقایسه فرهنگی آنان هیچ کدام به نتیجه‌ای نرسید.

اشاعه گرایان، تا مدتی تحت الشعاع تکامل گرایی بود، در این زمینه وایت (WHITE) تکامل گرای متعهد اظهار می‌داشت که مکتب بواس Boas به لحاظ این ادعا که تئوری های تکامل فرهنگی با واقعیات مربوط به اشاعه، جور در نمی‌آید، راه به خطا برده بود. از دیدگاه او تکامل گرایان اولیه، کاملاً از اشاعه فرهنگی آگاه بودند و این اشاعه گرایان بودند که تکامل فرهنگ را با تاریخ فرهنگ اشتباه می‌گرفته‌اند. تکامل گرایان اصراری بر اینکه گروه‌های اجتماعی می‌بایست از همه مراحل عبور کنند، نداشتند. (هرلیون، دیوید، ۱۳۷۶، ص ۱۲-۱۰).

پریچارد اشاره می‌کند که اشاعه گرایی در بریتانیا تأثیری نداشت و تا مدتی تکامل گرایی و اشاعه گرایی نه تنها به صورت منحصر به فرد درآمدند، بلکه به عنوان شق دیگر کارکردگرایی ساختی نیز در نظر گرفته شدند. در دهه اول قرن بیستم دو مکتب تکامل گرایی و اشاعه گرایی نه تنها با هم رقابت داشتند بلکه کارکردگرایی ساختی را نیز به مبارزه طلبیدند.

در این حرکت، مالینوسکی مؤثر بود، زیرا او بود که ساخت گرایی کارکردی را به عنوان یک شیوه خاص در تحقیقات علمی باب نمود. آنگاه پارسنز تحت تأثیر مالینوسکی قرار گرفت

و با مراجعه به طبقه بندی چهارگانه نیازها، توسط مالینوسکی بود که پارسنز ادعا نمود که می توان آن را به عنوان طبقه بندی اصلی ضروریات کارکردی در هر نظام اجتماعی و یا در حقیقت هر نظام عمل دانست. بطور خلاصه کارکردگرائی، نظم روز، و نیز مهد جامعه شناسی پارسنز بود که تئوری های نوسازی در آن رشد و نمو کرد. (هاریسون، ۱۳۷، ص ۱۵)

نظریه وابستگی

رامیرز^۱

در مقاله مفهوم پیدایش وابستگی، مفهوم وابستگی، را با دید مارکسیستی مورد بررسی قرار می دهد، ولی بطور کلی معتقد است که مفهوم وابستگی به وسیله دانشمندانی که روش ماتریالیسم تاریخی را به کار گرفته اند، مطرح شده است. طبق نظر این اندیشمندان وابستگی ناشی از شرایط داخلی است نه آنکه صرفاً یک عارضه خارجی باشد. وی اندیشمندانی را که در زمینه مفهوم وابستگی کرده اند، به دو گروه تقسیم می کنند.

گروه اول کسانی هستند که از روش ماتریالیسم تاریخی استفاده نکرده اند (نظیر سوالد سونکل). گروه دوم افرادی هستند که از این روش استفاده کرده اند (نظیر کاردورو و سانتوس). گروه اول، وابستگی را به صورت عامل تسلط خارجی می پندارند، در حالی که گروه دوم وابستگی را بیشتر ناشی از شرایط داخلی جوامع وابسته و توسعه نیافته می دانند. دوس سانتوس در مقاله ای مسأله وابستگی در آمریکای لاتین را در رابطه با خاستگاههای این تئوری ها و نیز شرایط زمانی و تاریخی آمریکای لاتین و جهان سرمایه داری و نحوه تأثیر این شرایط را بر نظریه ها و ایدئولوژی های توسعه، مورد بحث قرار داده و نشان می دهد که وابستگی مسأله داخلی بوده و چگونه طبقات مسلط جوامع توسعه نیافته دارای منافع مشترک با سرمایه داران جهانی هستند و چگونه هر طبقه ای اجتماعی، توسعه را از دید منافع خویش می نگرد. به

اعتقاد وی توسعه ممالک جهان سومی در چهارچوب روابط سرمایه داری چیزی جز توسعه ی وابسته نمی تواند باشد و برای تغییر جهت آن می باید ساخت های داخلی این کشورها تغییر یابد. (دوس سانتوس و همکاران ۱۳۵۸، ص ۱۱).

اشکال وابستگی می توانند بسیار متنوع باشند. این تنوع در زمینه اجتماعی - سیاسی - در اندازه و کیفیت طبقه کارگر، بورژوازی، در خصوصیات طبقات متوسط، در نقش ارتش، در اشکال دولت و غیره، می تواند منعکس گردد.

وابستگی گاهی متقابل می گردد، نظیر سرمایه داری و جهان سوم. همانطور که برخی از کشورهای امریکای لاتین در حقیقت در جریان روند توسعه ای وابسته قرار گرفته اند. (همان. ص ۳۳)

به طور کلی می توان گفت: وابستگی وضعیت مشروطی است که در آن اقتصادهای یک گروه از کشورها، بواسطه توسعه و گسترش اقتصاد و گروهی دیگر، مشروط می شوند. و یک رابطه وابستگی متقابل بین دو یا چند اقتصاد، به یک رابطه وابستگی مبدل می شود، بنابراین وابستگی براساس تقسیم کار بین المللی است که توسعه صنعتی را در بعضی از کشورها امکان پذیر می سازد، در حالی که این توسعه را در کشورهای دیگر محدود می کند. (دوس سانتوس، ۱۳۵۸، ص ۶۳)

نظریه پردازان مکتب وابستگی و به ویژه فرانک Frank اعتقاد دارد که توسعه نیافتگی محصول ساخت و یا ویژگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه نمی باشد، بلکه تا حد زیادی نتیجه تاریخی ارتباط گذشته و مناسبات مداوم اقتصادی میان کشورهای توسعه نیافته (اجتماعی) و کشورهای توسعه یافته (مادر) می باشد، بنابراین مسائل عده ای از کشورهای توسعه نیافته که با آن مراجعه هستند، مسائل درونی جامعه نبوده، بلکه مسائل بیرونی جامعه می باشند. ملاحظه می شود دیدگاه نوسازی درست در مقابل نظریه وابستگی قرار می گیرد.

نظریه فرانک:

فرانک علت عقب افتادگی کشورهای توسعه نیافته را در مباحث خاص وابستگی این کشورها به قطب سرمایه می داند و معتقد است، این رابطه بسیار نابرابر می باشد، و همانطور که مراکز بزرگ سرمایه (مادر شهرها)، کشورهای جهان سوم را خلق کرده است حیات اقتصادی سیاسی اینگونه کشورها را نیز کنترل می نماید. فرانک درجه حساسیت کشورها را به میزان وابستگی آنها به قطب سرمایه داری مربوط می داند. (بیک رضایی، ۱۳۸۰، ص ۸۴).

به نظر فرانک مراحل توسعه در همه کشورها یکسان نیست و کشورهای توسعه نیافته لزوماً از همان مراحل نمی گذرند، که کشورهای توسعه یافته، گذشته اند. توسعه نیافتگی محصول تاریخی روابط کشورهای توسعه یافته با استعمار توسعه نیافته است. توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی دو روی یک سلسله اند. (لهسائی زاده، عبدالعلی، ۱۳۷۹، ص ۱۴).

پل باران:

وی می گوید در کشورهای عقب مانده، مازاد داخلی به جای آنکه در همان جا دوباره سرمایه گذاری گردد و موجبات پیشرفت را فراهم آورد، به وسیله امپریالیسم تصاحب و به خارج جذب می شود. بدین ترتیب کشورهای عقب مانده از توان و امکانات لازم برای سرمایه گذاری و پیشرفت محروم می شوند. (همان، ص ۱۴)

دوز سانتوز:

سانتوز می گوید اقتصاد جهانی، اقتصاد ملی را از طریق در اختیار گرفتن و انحصاری کردن بازار کالاهای جهانی سرمایه، حتی نیروی کار را در خود حل می کند و روابط موجود بین کشورهای مسلط و وابسته را نابرابر و آشفته می نماید. وی می گوید شرکتهای چند ملیتی در وابستگی کشورهای جهان پیرامونی اثرات تعیین کننده ای دارد. (همان، ص ۱۴)

نوسازی^۱

یکی دیگر از نظریه‌های مربوط به توسعه، نظریه‌های مربوط به شهرسازی است، که در ادبیات توسعه، در جامعه‌شناسی مطرح شده است. نوسازی Modernisation در ادبیات ما، معادل مدرن شدن، نوسازی، امروزی شدن، متجدد شدن و غیره آورده شده است. و شاید بتوان گفت نوسازی در مفهوم آئینی درست در مطالعات توسعه، که دقیقاً در مقابل رشد عنوان شده است.

نوسازی و جامعه‌شناسی

مفاهیم و واژه‌ها، مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی به مناسبت‌هایی بوجود می‌آیند و با گذشت زمان مفاهیم آنها تغییر و تحول می‌یابد. و بدانجهت بعضی از این‌ها اثرات عظیمی در فرهنگ و حیات یک ملت پیدا می‌کنند، مانند استقلال، خودکفائی، توسعه، آزادی و ...

جامعه‌شناسان به سبب پیچیده و چند بعدی مفهوم، از دیدگاه‌های مختلف آن را تعریف نموده‌اند، گروهی به مفهوم نوسازی، برخی با توجه به تکنولوژی، و عده‌ای از لحاظ روانی، یا سیاسی و فرهنگی بدان پرداخته‌اند.

جامعه‌شناسان در تعریف نوسازی به تمایزات اجتماعی و نقش‌ها و غالب شدن کنش‌های عقلانی و منطقی گرایش داشته‌اند و آنرا یک خصلت اجتماعی ساختار یافته می‌پندارند.

مکتب نوسازی:

مفسرین نوسازی به دنبال این پرسش هستند که چگونه می‌توان شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان سوم را تغییر و دیگر گونه کرد. نظریه‌تجدد یا نوسازی یکی از الگوهای تحلیلی مسلط جامعه‌شناسی آمریکائی برای توضیح فراگروه‌هائی بود که جوامع سنتی از طریق آنها به تجدد و مدرن شدن نائل شدند (کرامبی و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۲۳۶).

طبق نظر طرفداران نوسازی، در کشورهای جهان سوم موانعی وجود دارد که امر توسعه را دشوار می نماید. این موانع عبارتند از وجود نهادها و سیستم های ارزشی کهنه، افزایش جمعیت، عدم کارآئی دستگاههای دیوانسالار، عدم مشارکت مردم در امور و وجود اعتقادات خاص به کمبود سرمایه گذاری تولیدی و ... (بهنام، ۱۳۷۵، ۱۳۶).

مایرون وینر می گوید: هر یک از رشته های علوم اجتماعی، به یکی از جنبه های جریان نوسازی توجه دارند. اقتصاددانان نوسازی را در درجه اول از لحاظ کاربرد تکنولوژی به دست انسان، برای نظارت بر منابع طبیعت، به منظور فراهم کردن وسایل افزایش رشد بازده سرانه، نگاه می کنند. جامعه شناسان و انسان شناسان اجتماعی، در درجه اول به جریان متنوع و متمایز شدن، که از خصوصیات جوامع جدید است، علاقه دارند.

دانشمندان سیاسی نیز به بعضی از جنبه های غرب نوسازی توجه دارند، الکس اینگلس برای فراهم کردن اساس بدست آوردن تعریفی تجربی از انسان نو، در میان ۶ ملت تحقیقی انجام داده و به این نتیجه رسیده است که در جوامع جدید (مدرن)، با وجود اختلافات فرهنگی که دارند، وجه نظرهای خاص مشترکی میان افراد این جوامع وجود دارد که عبارتند از: آمادگی برای قبول اندیشه های نو و آزمودن شیوه های نو، آمادگی برای اظهار عقیده، وقت شناسی - توجه به طرح ریزی، سازمان دادن کارآئی، تمایل به نگرستن به جهان چون چیزی قابل محاسبه، ایمان به علوم و تکنولوژی و ... بالاخره ایمان به عدالت برای همگان (مایرون وینر، نوسازی جامعه، ترجمه مقدم مراغه ای، ۱۳۵۰، ص ۲).

پایه های علمی و تجربی دیدگاه نوسازی

نوسازی دیدگاهی است که در پی تبیین موانع درونی و داخلی در کشورهای جهان سوم می باشد. به تعبیری این نظریه معتقد است که باید ساختارهای درونی و داخلی جوامع را آماده و مستعد پذیرش پویای نوسازی کرد. الگوی عملی آنها تجربه تاریخی مغرب زمین و

کشورهای پیش رفته و توسعه یافته غربی است. و بر مبنای این دیدگاه، تصویری که از آن برخوردارند، و نیز به واسطه ایده آل و کمال مطلوب شمردن آنچه که در مغرب زمین محقق شده است، به نوعی، الگوی توسعه و متجدد شدن غربی را پذیرفته و با عنایت به ساز و کارهای درونی کشورهای توسعه یافته که زمینه ساز توسعه یافتگی و متحد شدن آنها شده است دسترسی پیدا کرده اند. طبیعی است عکس العمل هایی در این زمینه وجود دارد که بسیاری از مسائل را مورد تأمل قرار می دهد. (از کیا، غفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴).

تجزیه و تحلیل اطلاعات

توسعه را با توجه به شرایط و امکانات محلی می توان به راههای متفاوتی بررسی کرد. در این تحقیق با توجه به اهدافی که قبلاً مشخص شده است، جهد گردید روشی انتخاب شود که جامع بوده و بتواند از پراکندگی پیش گیری کرده و به واقعیت نزدیکتر باشد. و بدان جهت دو روش اسنادی و survey انتخاب گردید. با عنایت به آمارهائی در مورد جمعیت، سن، جنس، شغل، روستائی و شهری و یا ایلی شدن و تهیه و چاپ شده و به صورت آمارنامه های قابل اطمینان مربوط به آسیب های اجتماعی که در مورد استان خوزستان چاپ و انتشار یافته است. استنتاجائی صورت گرفت و مورد استفاده واقع گردید.

بخش اصلی تحقیق به طریق survey با تکنیک پرسشنامه انجام گرفت. پرسشنامه بعد از مطالعات اولیه و شرایط محیط، کتابها و تحقیقات انجام یافته، و مصاحبه های ضروری با مسئولین شکل داده شده است و سؤالات طوری تنظیم شده است که بتواند جوابگویی روش های آمار توصیفی و استنباطی باشند. و بنابراین نتایج تحقیق به صورت توصیفی، استنباطی و از طریق دو نرم افزار Spss و Amos Graphics جهت میزان اثرگذاری عوامل، انجام گرفت. همچنین در این فصل، ابتدا ویژگی های دموگرافیک نمونه آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از روش های آمار توصیفی (فراوانی و درصد و....) به منظور تبیین

پاسخ های نمونه آماری و با استفاده از روش های آمار توصیفی و آمار استنباطی آزمون متناسب با سطح سنجش فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه آماری:

کلیه ساکنان شهرستان شوشتر را، جامعه آماری تشکیل می دهد.

جامعه نمونه:

۲۲۰ خانوار از جمعیت شوشتر به صورت خوشه ای و سیستماتیک مورد پرسش قرار گرفته اند.

روش نمونه گیری:

به علت پراکندگی جمعیت به صورت بختیاری ها، اعراب، و شوشتری ها، همچنین نبود تقسیم بندی مناطق ناحیه ای در شهر نمونه گیری به صورت خوشه ای و سپس در داخل خوشه ها به صورت سیستماتیک انجام گرفت. بدین منظور شوشتر را به ۹ ناحیه تقسیم کردیم و از روی قرعه، ۴ منطقه را انتخاب نموده و پرسشگری انجام گرفت.

فرضیه های پژوهش:

فرضیه های تحقیق ابتدا در هر فرضیه با توجه به متغیرهای موجود تنظیم شده بود، لکن بعد از مطالعات عمیق تر، اضطراباً چندین فرضیه نیز بدان علاوه گردید:

فرضیه ۱: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و مشارکت سیاسی افراد رابطه وجود دارد

فرضیه ۲: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و مسایل فرهنگی افراد رابطه وجود دارد

فرضیه ۳: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و تقدیر گرایی افراد رابطه وجود دارد

فرضیه ۴: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و سنت گرایی افراد رابطه وجود دارد

فرضیه ۵: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و قوم گرایی افراد رابطه وجود دارد

اعتبار و روایی

در این تحقیق از دو نوع اعتبار صوری و اعتبار تجربی استفاده شد. در اعتبار صوری پرسشنامه توسط چند تن از اساتید جامعه شناسی مورد بررسی قرار گرفت و نکات اصلاحی آنها در پرسشنامه قید گردید. در اعتبار تجربی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به بررسی اعتبار ابزار تحقیق پرداخته شد. در این روش با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی به بررسی این امر پرداخته شد که آیا معرف‌های یک متغیر در تحلیل عاملی قابلیت بار شدن بر روی یک عامل را دارند و یا در حقیقت قابلیت سنجش یک متغیر را دارند یا نه.

روایی به بررسی قابلیت تکرار پذیری ابزار تحقیق می‌پردازد در این تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ به بررسی این امر پرداخته شده است. ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده در مورد مجموعه معرف‌های متغیرها بیانگر میزان روایی بالای تک تک متغیرهای سازنده ابزار تحقیق می‌باشد (جدول ۱).

جدول ۱: روایی ابزار تحقیق

نام متغیر	میزان آلفای کرونباخ
مشارکت سیاسی	۰/۷۶
مسایل فرهنگی	۰/۷۹
عدم تقدیرگرایی	۰/۷۶
عدم سنت‌گرایی	۰/۷۲
عدم قبیله‌گرایی	۰/۷۵
میل به پیشرفت و توسعه	۰/۸۱

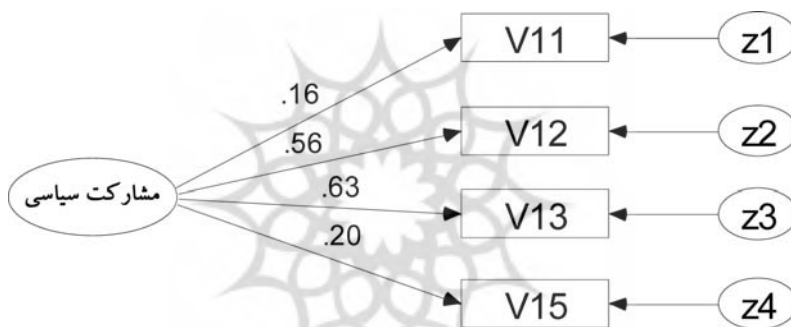
تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی:

مناسبتترین شیوه برای سنجش روایی سازه‌ای (Construct Validity) استفاده از تحلیل عامل تاییدی است. تحلیل عاملی یک روش آماری عمومی است که به منظور دستیابی به مجموعه کوچکی از متغیرهای مشاهده نشده که به آن متغیرهای نهفته یا عامل نیز می‌گویند، از طریق کوواریانس بین مجموعه‌ای وسیع تر از متغیرهای مشاهده شده که آن را متغیرهای آشکار نیز می‌نامند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل عاملی روشی است برای ساده سازی متغیرهای مورد مطالعه بر اساس همبستگی بین آنها. تحلیل عاملی بسته به هدفی که محقق در استفاده از آن دارد به دو نوع اکتشافی و تاییدی تقسیم می‌شود. اینکه کدام یک از این دو روش باید در تحلیل عاملی به کار رود مبتنی بر هدف تحلیل داده‌هاست. در تحلیل اکتشافی (Exploratory factor analysis) پژوهشگر به دنبال بررسی داده‌های تجربی به منظور کشف و شناسایی شاخص‌ها و نیز روابط بین آنهاست و این کار را بدون تحمیل هر گونه مدل معینی انجام می‌دهد. به بیان دیگر، تحلیل اکتشافی علاوه بر آنکه ارزش تجسسی یا پیشنهادی دارد می‌تواند ساختار ساز، مدل ساز یا فرضیه ساز باشد. تحلیل اکتشافی وقتی به کار می‌رود که پژوهشگر شواهد کافی قبلی و پیش تجربی برای تشکیل فرضیه درباره تعداد عامل‌های زیربنایی داده‌ها نداشته باشد. بنابراین تحلیل اکتشافی بیشتر به عنوان یک روش تدوین و تولید تئوری و نه یک روش آزمون تئوری در نظر گرفته می‌شود. در تحلیل عاملی تاییدی (Confirmatory factor analysis)، پژوهشگر به دنبال تهیه مدلی است که فرض می‌شود داده‌های تجربی را بر پایه چند پارامتر نسبتاً اندک، توصیف، تبیین یا توجیه می‌کند. این مدل مبتنی بر اطلاعات پیش تجربی درباره ساختار داده‌هاست.

جدول (۲) بارهای عاملی مقیاس‌های توسعه ملی

عوامل‌های به‌دست آمده در تحلیل عامل اکتشافی برای توسعه ملی						فاکتورها
میل به پیشرفت و توسعه	عدم قبیله‌گرایی	عدم سنت‌گرایی	عدم تقدیرگرایی	مسایل فرهنگی	مشارکت سیاسی	
					.144	V11
					.802	V12
					.146	V13
					.508	V15
				.398		V10
				.243		V14
				.303		V16
				.302		V17
			.708			V23
			.208			V25
			.262			V26
			.245			V27
			.214			V32
		.177				V35
		.368				V37
		.160				V39
		.115				V41
		.606				V42
	.295					V24
	.163					V30
	.401					V31
	.125					V38
.109						V29
.404						V33
.609						V36
.107						V40

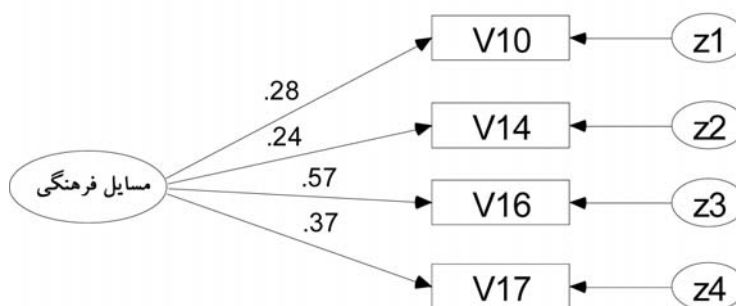
همان گونه که جدول شماره (۲) نشان می‌دهد، از نظر پاسخگویان نمرات استاندارد شده هر کدام از گویه‌ها تأثیر جداگانه مشارکت سیاسی، مسایل فرهنگی، عدم تقدیرگرایی، عدم سنت گرایی، عدم قبیله گرایی و میل به پیشرفت و توسعه بر توسعه ملی در نظر گرفته شده است. بنابراین در این تحلیل به بررسی این امر پرداخته شد که آیا معرف‌های یک متغیر در تحلیل عاملی قابلیت بار شدن بر روی یک عامل را دارند و یا در حقیقت قابلیت سنجش یک متغیر را دارند یا نه. بر اساس اطلاعات جدول فوق معلوم شد که همه گویه‌های این پرسشنامه قابلیت سنجش متغیر اصلی پژوهش ما را دارند، پس در تحلیل آماری ما از آنها استفاده گردید.



مدل عاملی تاییدی مرتبه اول از متغیر پنهان مشارکت سیاسی

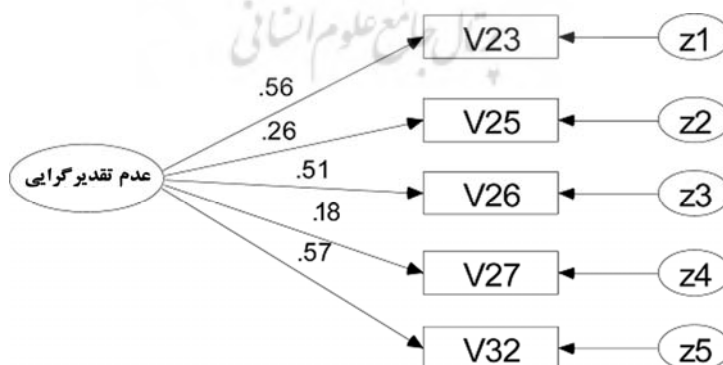
اکنون در این قسمت از تحلیل به این مسأله پرداخته می‌شود که شاخص‌های اصلی تحقیق هر کدام به صورت جداگانه سنجیده شوند تا وزن هر گویه در تبیین شاخص اصلی مشخص گردد. از بین چهار مقیاس فرعی مشارکت سیاسی، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای پارامتر V13 که شرکت در انتخابات شوراهای محلی و شهر می‌باشد، با ضریب (۰.۶۳) دارای همبستگی بیشتری با نمرات مشارکت سیاسی است. بنابراین وزن بیشتری در محاسبات مربوط به این متغیر پنهان داراست. در مقابل V11 یعنی دنبال کردن مسایل سیاسی با دارا بودن

ضریب (۰.۱۶) دارای همبستگی کمتری با نمرات مشارکت سیاسی است و به همین دلیل وزن کمتری در تعریف این متغیر پنهان داراست.



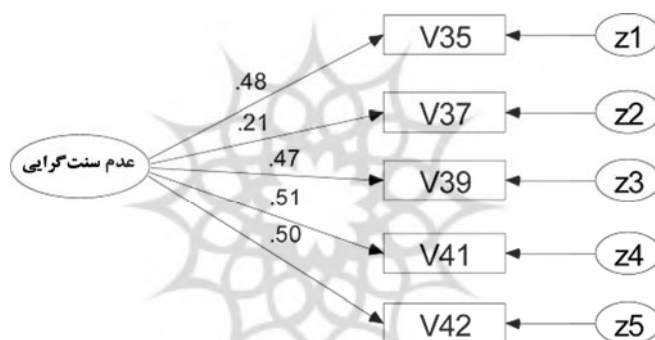
مدل عاملی تاییدی مرتبه اول از متغیر پنهان مسایل فرهنگی

در این مدل نیز همانطور که پیداست از بین چهار مقیاس فرعی مسایل فرهنگی، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای پارامتر V16 یا دلزدگی از شهر، با ضریب ۰.۵۷ دارای همبستگی بیشتری با نمرات مسایل فرهنگی است و وزن بیشتری در محاسبات مربوط به متغیر مسایل فرهنگی داراست. در مقابل V14 یعنی داشتن اختلافات قومی با دارا بودن ضریب ۰.۲۴ دارای همبستگی کمتری با نمرات مسایل فرهنگی است، بنابراین این گویه وزن کمتری را در تعریف متغیر پنهان مسایل فرهنگی نسبت به سایر گویه‌ها را داراست.



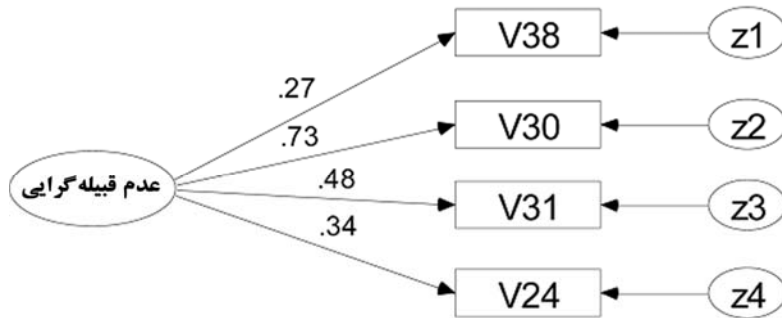
مدل عاملی تاییدی مرتبه اول از متغیر پنهان عدم تقدیرگرایی

در این مدل ملاک میزان عدم تقدیرگرایی در افراد است که عامل مهمی در توسعه است، لذا مدل فوق نیز از بین پنج مقیاس فرعی متغیر پنهان عدم تقدیرگرایی، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای هر کدام از پارامترها، پارامتر $V32$ که انسان را در زندگی مختار می‌داند نه مجبور، با ضریب (0.57) دارای همبستگی بیشتری با سایر نمرات این متغیر است پس وزن بیشتری در محاسبات مربوط به متغیر عدم تقدیرگرایی داراست. در مقابل $V27$ یعنی باور دینی راهنمای مناسبی برای بشریت است با دارا بودن ضریب (0.18) دارای همبستگی کمتری با نمرات عدم تقدیرگرایی است، بنابراین این گویه وزن کمتری را در تعریف متغیر پنهان ما نسبت به سایر گویه‌ها را داراست.



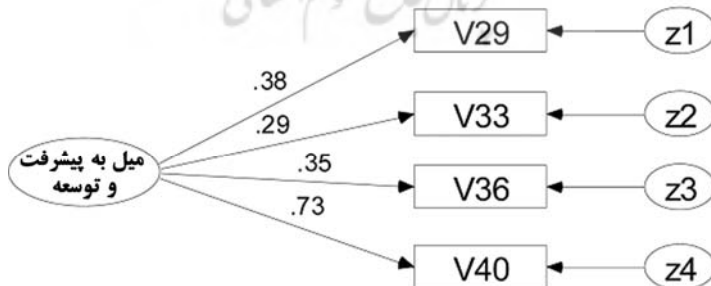
مدل عاملی تاییدی مرتبه اول از متغیر پنهان عدم سنت‌گرایی

از بین پنج مقیاس فرعی عدم سنت‌گرایی، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای پارامتر $V42$ و $V41$ که هر دو گویه بر احترام و تقدم با بزرگترها تاکید با ضرایب (0.51) و (0.50) دارای همبستگی بیشتری با سایر نمرات عدم سنت‌گرایی است. بنابراین وزن‌های بیشتری در محاسبات مربوط به متغیر پنهان عدم سنت‌گرایی دارا هستند. در مقابل $V37$ یعنی نبود انگیزه برای پیشرفت با دارا بودن ضریب (0.21) دارای همبستگی کمتری با نمرات عدم سنت‌گرایی است و به همین دلیل وزن کمتری در تعریف این متغیر پنهان داراست.



مدل عاملی تاییدی مرتبه اول از متغیر پنهان عدم قبیله گرایی

مدل فوق گویای وضعیت عدم قبیله گرایی افراد با توجه به گویه‌هایی در میان پاسخگویان است. از بین مقیاس‌های متغیر پنهان عدم قبیله گرایی، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای هر کدام از پارامترها، پارامتر V30 به معنی حمایت از خویشاوندان در مواقع اختلاف، با ضریب (۰.۷۳) دارای همبستگی بیشتری با نمرات سایر گویه‌ها دارد، بنابراین وزن بیشتری در محاسبات مربوط به متغیر عدم قبیله گرایی داراست. در مقابل V38 یعنی نقش اصلی برای والدین در مسایل ازدواج با دارا بودن ضریب (۰.۲۷) دارای همبستگی کمتری با نمرات عدم قبیله گرایی است، بنابراین این گویه وزن کمتری را در تعریف متغیر پنهان ما نسبت به سایر گویه‌ها را داراست.



مدل عاملی تاییدی مرتبه اول از متغیر پنهان میل به پیشرفت و توسعه

در این مدل نیز همانطور که پیداست از بین چهار مقیاس فرعی متغیر میل به پیشرفت و توسعه، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای پارامتر V40 یا امروزی بودن رابطه و آشنایی زن و مرد قبل از ازدواج، با ضریب (۰.۷۳) دارای همبستگی بیشتری با نمرات متغیر پنهان میل به پیشرفت و توسعه است، بنابراین وزن بیشتری در محاسبات مربوط به متغیر میل به پیشرفت و توسعه در افراد را داراست. در مقابل V33 یعنی داشتن اختلافات قومی که مانع توسعه هستند با ضریب (۰.۲۹) دارای همبستگی کمتری با نمرات متغیر پنهان ماست، پس این گویه وزن کمتری را در تعریف متغیر پنهان میل به پیشرفت و توسعه نسبت به سایر گویه‌ها را داراست.

مدل کلی پژوهش

مدل عاملی تاییدی از شاخص‌های توسعه ملی



مدل فوق گویای وضعیت توسعه در شوشتر با توجه به شاخص‌های این سازه در میان پاسخگویان است. ابتدای کار هر کدام از گویه‌ها مرتب گردیدند و پس از تحلیل اکتشافی عامل‌ها و تقسیم آنها به پنج عامل، تحلیلی عاملی فوق نیز انجام گرفت و از بین مقیاس‌های متغیر پنهان توسعه ملی، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای هر کدام از پارامترها، پارامتر عدم سنت‌گرایی در میان افراد با ضریب (۰.۷۲) دارای همبستگی بیشتری با نمرات سایر گویه‌ها دارد، بنابراین وزن بیشتری در محاسبات مربوط به متغیر اصلی تحقیق یعنی توسعه ملی داراست. به همین ترتیب می‌توان به مشارکت سیاسی افراد عدم‌قبیله‌گرایی آنها با ضرایب بالا (۰.۵۶ و ۰.۵۲) اشاره کرد. در مقابل شاخص میل به پیشرفت با دارا بودن ضریب (۰.۱۸) دارای همبستگی کمتری با نمرات توسعه ملی است، بنابراین این گویه وزن کمتری را در تعریف متغیر پنهان ما نسبت به سایر گویه‌ها را داراست.

مقادیر z که در مدل‌های فوق به کار رفته همان مقادیر خطا هستند این متغیرها اساساً متغیرهای پنهانی هستند که مدل را تحت تأثیر قرار می‌دهند ولی در مدل نظری پژوهش حاضر نیستند. همچنین مثبت بودن کلیه وزن‌های رگرسیونی یا بارهای عاملی در این مدل و دیگر مدل‌ها نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول است.

آزمون فرضیات

فرضیه ۱: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و مشارکت سیاسی افراد رابطه وجود دارد

Symmetric Measures

	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal Gamma	.036	.114	.319	.750
N of Valid Cases	222			

ضریب همبستگی گاما از تعامل زوج‌های هماهنگ و معکوس به دست می‌آید در خروجی این جدول مقدار گاما در جلو آن مشخص شده است و برای سنجش معنادار بودن این ضریب به مقدار sig ضریب همبستگی مراجعه می‌شود در صورتی که مقدار آن از ۵ درصد کمتر باشد، می‌توان معنادار بودن ضریب همبستگی را نتیجه گرفت. حال نتایج جدول فوق گویای این واقعیت است که نمی‌توان ضریب همبستگی معناداری را برای رابطه بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و مشارکت سیاسی افراد در نظر گرفت. یکی از دلایل مهم رد این فرضیه می‌تواند این مسأله باشد که مشارکت سیاسی در شوشتر فقط در مسایل انتخابات خلاصه شده است و به دیگر شاخص‌های مشارکت سیاسی توجه چندانی نشده است. با این اوصاف نمی‌توان بین توسعه در شوشتر و مشارکت سیاسی رابطه‌ای معنادار متصور شد. چرا که مشارکت سیاسی یکی از پیش‌نیازهای اصلی توسعه در جوامع بوده و هست.

فرضیه ۲: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و مسایل فرهنگی افراد رابطه وجود دارد

Symmetric Measures

	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal Gamma	-1.000	.000	-1.424	.154
N of Valid Cases	212			

در خروجی این جدول مقدار گاما در جلو آن مشخص شده است و برای سنجش معنادار بودن این ضریب به مقدار sig ضریب همبستگی مراجعه می‌شود در صورتی که مقدار آن از ۵ درصد کمتر باشد، می‌توان معنادار بودن ضریب همبستگی را نتیجه گرفت. حال نتایج جدول فوق گویای این واقعیت است که نمی‌توان ضریب همبستگی معناداری را برای رابطه بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و مسایل فرهنگی افراد در نظر گرفت. (مقدار sig بزرگتر از

۵ درصد است) از مهمترین دلایل رد این فرضیه می‌تواند این مسأله باشد که افراد در شناخت توسعه به مسایل مادی آن بیش از مسایل معنوی و فرهنگی و نقش آنها در توسعه تأکید دارند. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان به نداشتن رابطه بین مسایل فرهنگی افراد و توسعه در شوشتر از نظر پاسخگویان حکم داد.

فرضیه ۳: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و عدم تقدیر گرایی افراد رابطه وجود دارد

Symmetric Measures

	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal Gamma	.066	.106	.617	.037
N of Valid Cases	224			

در خروجی این جدول مقدار گاما در جلو آن مشخص شده است و برای سنجش معنادار بودن این ضریب به مقدار sig ضریب همبستگی مراجعه می‌شود در صورتی که مقدار آن از ۵ درصد کمتر باشد، می‌توان معنادار بودن ضریب همبستگی را نتیجه گرفت و با اطمینان ۹۵ درصد حکم به وجود رابطه بین دو متغیر داد. حال نتایج جدول فوق گویای این واقعیت است که ضریب همبستگی معناداری بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و عدم تقدیر گرایی افراد وجود دارد. (مقدار sig کمتر از ۵ درصد است). از مهمترین دلایل اثبات این فرضیه می‌توان به خصلت تقدیر گرا بودن افراد اشاره کرد. شواهد امر حاکی از آن است که افراد تقدیر گرا به ثبات بیشتر از توسعه و تغییر اهمیت می‌دهند. این افراد میل چندانی به پیشرفت و توسعه ندارند و سرنوشت خود را در وضعیت موجود خود می‌بینند تا وضعیت مطلوب و ایده‌آل.

فرضیه ۴: بین میزان تمایل به پیشرفت توسعه در شوشتر و عدم سنت گرایی افراد رابطه وجود دارد

Symmetric Measures

	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal Gamma	.353	.093	3.599	.000
N of Valid Cases	223			

خروجی جدول فوق گویای این واقعیت است می توان معنادار بودن ضریب همبستگی بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و عدم سنت گرایی افراد را نتیجه گرفت و برای سنجش معنادار بودن این ضریب به مقدار sig که عدد صفر است مراجعه کرد و مشخص است که مقدار آن از ۵ درصد کمتر است، پس با اطمینان ۹۵ درصد می توان حکم به وجود رابطه بین دو متغیر داد.

فرضیه ۵: بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و عدم قوم گرایی افراد رابطه وجود دارد

Symmetric Measures

	Value	Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.
Ordinal by Ordinal Gamma	.094	.105	.892	.072
N of Valid Cases	224			

در خروجی این جدول مقدار گاما در جلو آن مشخص شده است و برای سنجش معنادار بودن این ضریب به مقدار sig که عدد ۰.۰۷۲ است ضریب همبستگی کمتر از ۵ درصد مشاهده می شود بنابراین می توان معنادار بودن ضریب همبستگی را نتیجه گرفت و با اطمینان ۹۵ درصد به وجود رابطه بین میزان میل به پیشرفت و توسعه در شوشتر و عدم قوم گرایی افراد پی برد. چرا که قوم گرایی از مؤلفه‌هایی است که با روح مدرن توسعه و پیشرفت سازگار نیست.

نتیجه‌گیری

اصولاً بسیاری از صاحب‌نظران عقیده دارند که توسعه مفهومی متنوع و پیچیده است و دارای الگوهای متعددی است که تنها با استعدادهای بالقوه و بالفعل مکان‌ها قابل انتخاب و انجام است در بسیاری از کشورها برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای ناگزیر از اجرای برنامه ریزی‌های متناسب با برنامه‌های شهری، روستایی و یا محیطی هستند و در کل می‌توان هدف توسعه را رفاه برای بشریت قلمداد کرد. اصولاً در ایران برنامه‌های همسانی نسبت به توسعه استان‌ها و منابع آن صورت می‌گیرد که در بعضی از استانها از مقبولیت بسیاری برخوردار است، ولی در بعضی مناطق، توسعه نتوانسته است خواسته‌ها و آرمانهای مردم را برآورده نماید، در این میان به نظر می‌رسد شوشتر به عنوان یکی از شهرهای کشور نتوانسته جایگاه خود را در مسیر توسعه پیدا کند که نتایج این تحقیق می‌تواند راهگشا باشد چرا که شناخت علل و عوامل مباحث توسعه‌ای فقط در تئوری‌ها نیست بلکه شناخت مردم و تمایلات آنها از مهمترین علت است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است، اما ذکر این نکته لازم است که موارد این پژوهش آخرین و تنهاترین عوامل نیستند بلکه این تحقیق نیز مانند سایر تحقیقات خالی از نقص و کاستی نیست.

مسئله توسعه با توجه به ویژگی‌های آن ابعاد مختلفی دارد که این ابعاد از مسایل ذهنی تا مادی و فرهنگی، سیاسی و آموزشی را داراست. در حقیقت آموزش و پرورش اساسی‌ترین نقش‌ها را در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق ایجاد محیط و فرهنگ مناسب برای توسعه و تربیت نیروی انسانی ماهر، و ایجاد شیوه‌های مدرن کسب، انتقال، گسترش توسعه دانش فنی و نظری در جهان توسعه یافته ایفا می‌کند.

از این مطالب چنین استنباط می‌شود که برای توسعه دانش، ذهن فعال - آموزش و پرورش مطلوب در مرحله اول مورد نیاز است و تجربه بسیاری از کشورها این واقعیت را اثبات نمود

که معنی واقعی توسعه را باید در افکار و شخصیت انسان‌ها جستجو کرد، چرا که بدون رشد انسان، پیشرفت اقتصادی و صنعتی و حتی اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود.

در این تحقیق شاخص‌های مختلفی برای توسعه در شوشتر در نظر گرفته شده که پس از شاخص‌سازی تک تک متغیرها و تأیید بارهای عاملی آنها با مقادیر مثبت خود متغیر اصلی تحقیق یعنی توسعه ملی در شوشتر مورد سنجش قرار گرفت. قبل از تحلیل اصلی تحقیق و به آزمون گذاشتن فرضیات پژوهش تحلیل اکتشافی بر روی گویه‌های پرسشنامه صورت گرفت در حقیقت تحلیل اکتشافی وقتی به کار می‌رود که پژوهشگر شواهد کافی قبلی و پیش‌تجربی برای تشکیل فرضیه درباره تعداد عامل‌های زیربنایی داده‌ها نداشته باشد. بنابراین تحلیل اکتشافی بیشتر به عنوان یک روش تدوین و تولید تئوری و نه یک روش آزمون تئوری در نظر گرفته شد و پس از این تحلیل به تحلیل عاملی تأییدی و آزمون فرضیات مبادرت گردید.

تحلیل اکتشافی پژوهش محقق را به این امر واقف گردانید که انتخاب گویه‌ها برای سنجش شاخص‌های پژوهش یا معرف‌های یک متغیر در تحلیل عاملی قابلیت بار شدن بر روی یک عامل را دارند. بر اساس اطلاعات جدول خروجی معلوم شد که همه گویه‌های پرسشنامه قابلیت سنجش متغیر اصلی پژوهش ما را دارند، پس در تحلیل آماری ما از آنها استفاده گردید. توسعه در این پژوهش با شاخص‌های: میزان مشارکت سیاسی؛ مسایل فرهنگی، عدم تقدیرگرایی؛ عدم سنت‌گرایی؛ عدم قبیله‌گرایی و میل به پیشرفت و توسعه سنجیده شده است. می‌توان گفت هر توسعه‌ای در کشور ما نیازمند توجه به این عناصر است. در پژوهش با مدلی وضعیت توسعه در شوشتر با توجه به شاخص‌های این سازه در میان پاسخگویان سنجیده شد. ابتدای کار هر کدام از گویه‌ها مرتب گردیدند و پس از تحلیل اکتشافی عامل‌ها و تقسیم آنها به پنج عامل، تحلیل عاملی صورت گرفت و از بین مقیاس‌های متغیر پنهان توسعه ملی، با توجه به مقادیر استاندارد برآورد شده برای هر کدام از پارامترها، همبستگی مثبت همه پارامترها اثبات گردید در این میان، پارامتر عدم سنت‌گرایی در میان افراد با ضریب (۰.۷۲) دارای

همبستگی بیشتری با نمرات سایر گویه‌ها دارد، بنابراین وزن بیشتری در محاسبات مربوط به متغیر اصلی تحقیق یعنی توسعه ملی داراست. به همین ترتیب می‌توان به مشارکت سیاسی افراد عدم قبیله‌گرایی آنها با ضرایب بالا (۰.۵۶ و ۰.۵۲) اشاره کرد که ضریب همبستگی نسبتاً بالایی دارد. در مقابل شاخص میل به پیشرفت با دارا بودن ضریب (۰.۱۸) دارای همبستگی کمتری با نمرات توسعه ملی است، بنابراین این گویه وزن کمتری را در تعریف متغیر پنهان ما نسبت به سایر گویه‌ها را داراست.

در بحث آزمون فرضیات چون معیاری برای این که بدانیم شهرستان شوشتر توسعه یافته است یا نه نداریم، آزمون‌ها بر پایه تمایل افراد به توسعه و پیشرفت با سایر شاخص‌های توسعه سنجیده شدند که در این میان نمی‌توان ضریب همبستگی معناداری را برای رابطه بین میزان تمایل به پیشرفت و توسعه در شوشتر با مشارکت سیاسی افراد و مسایل فرهنگی آنها در نظر گرفت. چرا که به نظر می‌رسد که مشارکت سیاسی در شوشتر فقط در مسایل انتخابات خلاصه شده است و به دیگر شاخص‌های مشارکت سیاسی توجه چندانی نشده است. همچنین، نتایج این پژوهش گویای این واقعیت است که ضریب همبستگی معناداری بین میزان تمایل به پیشرفت و توسعه در شوشتر با عدم تقدیرگرایی، عدم سنت‌گرایی و عدم قبیله‌گرایی افراد وجود دارد.

بنابراین، رشد و توسعه فرایندی است که بسیاری از کشورها را دگیر خود کرده است و ایران نیز همانند کشورهای دیگر از گذشته دور، در این چرخه قرار گرفته و به نوعی به رشد دسترسی پیدا کرده است، لکن برای توسعه وسیع و واقعی باید به تغییرات فرهنگی و اجتماعی دست زده شود. زیرا هنوز به مرحله اصلی توسعه نائل نشده‌ایم، در ایران توقعات مردم، بعد از افزایش درآمد نفت، بالا رفته و مصرف بیشتر شده است و امروز دولت به اضطرار، درآمد زیاد نفت را صرف رفاه می‌کند و بودجه ناچیزی از آن تبدیل به سرمایه‌گذاری می‌گردد. به هر

حال افراط در بهره گیری های فراوان از منابع اساسی و طبیعی ما سبب تأخیر در توسعه خواهد بود. نهایتاً باید توجه داشت که هدف از توسعه، رسیدن به یک رفاه عمومی اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی متعادل است.

موانع و مشکلات تحقیق:

هر تحقیقی در محدوده خود می تواند مشکلاتی را داشته باشد که به تدریج با درایت حل می گردد. هر اندازه موضوع از ابعاد مختلف تجدید شده باشد، معمولاً مشکلات کم تر است. این تحقیق اگر چه در وسعت، مانند سایر مسائل توسعه، بسیار وسیع است، لکن جهد شده است که چهارچوب مشخصی از آن در مدنظر قرار گیرد. گرمای ۵۰ درجه تابستان، مسافرت های شهروندان از جمله مسائلی است که وقت زیادی را از محققین گرفت.

کاربردهای تحقیق

نتایج تحقیق در ابعاد مختلفی می تواند کاربرد داشته باشد:

- ۱- نتایج آئینه تمام نمای شهر شوشتر است و در آن کاستی ها به وضوح مشاهده، و قابل لمس می گردد، که می تواند در امر برنامه ریزی های شهری مفید افتد. و در این صورت راهنمای ارزنده در جهت استفاده فرمانداری تا شهرداری و سایر ادات باشد.
- ۲- سرچشمه نارسائی ها در این بررسی تا حدی خواهد توانست مسئولیتی شهر را آگاهی دهد.
- ۳- این تحقیق، یک بررسی علمی است که از روش علمی لازم برخوردار بوده، یعنی با مشورت های لازم از دیگر پژوهشگران به ثمر رسیده است و بدین جهت می تواند مورد استفاده دانشجویان در سایر بررسی ها قرار گیرد.
- ۴- میزان آسیب های اجتماعی در شهر شوشتر با عدد و ارقام آمده است و می تواند هشدار برای شهروندان و خانواده ها باشد.

۵- عوامل کاستی های شهری و موانع دیگر برای مطالعه مجدد و پیش گیری ها لازم در این بررسی آمده است.

۶- در این تحقیق، از نتایج حداقل ۲۰ پژوهش موردی استفاده گردیده است. اگر چه می تواند کاستی هایی را داشته باشد، لکن می تواند بجای یک علامت هشدار دهنده نیز می نماید.

۷- به وجود امکانات محیطی و به استعداد های بالقوه و بالفطره شوشتر پرداخته شده است که می تواند نقطه ثروتی برای احیا و توسعه آنها باشد.

پیشنهادات

پیشنهادات با توجه به فرضیه های مطرح شده عنوان گردیده است، زیرا در مورد این موضوع متغیرهای بسیاری را می توان عنوان نمود، لیکن به علت گستردگی آنها به نمونه های قناعت شده است.

فرهنگ شوشتر با توجه به حضور دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور از تغییرات مهمی برخوردار بوده است لیکن در حدی نبوده است که بتواند در امور اقتصادی و فرهنگی سازگار باشد. شاید در آینده بتوان طلایه های را مشاهده نمود. البته چنانچه شوشتر از بستر اولیه فرهنگی پویا برخوردار بود با این حرکات اجتماعی و فرهنگی از رشد بیشتری برخوردار می شد و در مجموع می توان تغییرات در مقاطع مختلف سنی و طبقات و قشرها را ملاحظه نمود.

مهاجرت ها ضربه سنگینی به این شهر وارد کرده است، زیرا سرمایه هایی که می تواند عامل باشند از شهر می گریزند و به جایش خرده پاها، فرهنگ لازم را ادامه می دهند.

عدم اشتغال مورد نیاز که در اثر تغییرات به وجود آمده است علاوه می نماید که مشاغل غالب در این منطقه کشاورزی، دامداری و کارمندی است. که میزان کارمندی و کارگری در

کارخانه‌ها و ادارات رو به تزاید است لیکن مشاغل تولیدی نیستند و توسعه را چندان هدایت نمی‌کنند.

شوشتری‌ها از اعتقادات گذشته خود چندان جدا نشده‌اند زندگی همین است که می‌بینند و یا تصور می‌کنند و به تغییرات کمتر فکر می‌کنند که خود عاملی بازدارنده محسوب می‌شود. بنابراین در مجموع پیشنهاد می‌شود باید هرچه سریعتر به شهروندی الکترونیکی شدن آنان راهی پیدا کرد، که در نتیجه آن مردم به اضطرار به بعضی از مسایلی که حقوق آنان را نشانگر است و یا آرمانهای آنها را اعتلا می‌دهد آشنایی بیشتری پیدا کنند. تشویق به مطالعه روزنامه‌ها نیز یکی از ضروریات است، رادیو و یا تلویزیون‌های محلی نیز می‌توانند مفید واقع شوند.

شوراهای شهر باید تقویت گردد تا مردم رابطه بیشتری با همدیگر داشته باشند. ابزارهای فرهنگی شهر به اندازه کافی نیست باید در اندیشه سینماها کتابخانه‌ها، و به ویژه کتابخانه‌های سیار بود.

در نهایت باید اهمیت تاریخی و گذشته شوشتر را به هر شکلی که ممکن است به شهروندان تفهیم شود تا به شهر خود بیشتر احترام بگذارند و در حفظ محیط زیست و بهداشت آن کوشا باشند.

منابع:

- ۱- آگوستین، ژیرار. (۱۹۷۲). توسعه فرهنگی، ترجمه عبدالحسین زرین قلم و همکاران، تهران، کتاب توسعه
- ۲- آمارتینا، سن. (۱۳۸۳). توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمد سعید نوری نایینی، تهران، نشر نی.
- ۳- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، نشر اطلاعات، چاپ چهارم
- ۴- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، نشر کیهان.
- ۵- الیاسی حمید. (۱۳۶۲). وابستگی جهان سوم، تهران، انتشارات اطلاعات
- ۶- بدیع، برتران. (۱۳۸۳). توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، نشر قومس.
- ۷- بشیریه، حسین. (۱۳۷۱). جامعه در مقابل دولت، آرمان‌های توسعه سیاسی در گرایش‌های سلطه‌ستیز، تهران نشر کتاب توسعه، جلد ۴
- ۸- بشیریه، حسین. (۱۳۸۳). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران انتشارات نگاه معاصر.
- ۹- بشیریه، حسین. (۱۳۸۳). عقل در سیاست؛ سی و پنج گفتار (جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی)، تهران انتشارات نگاه معاصر.
- ۱۰- پیران، پرویز. (۱۳۶۹). اولین سمینار فقر و فقرزدایی در کشور، تهران، سازمان بهزیستی کشور.
- ۱۱- توحید فام، محمد. (۱۳۸۰). موانع توسعه فرهنگی در ایران، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۱۲- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۳). جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ، مجله فرهنگ و توسعه سال سوم، ش ۱۵.

- ۱۳- توکلی، خالد. (۱۳۷۵). توسعه روستایی در شهرستان سقز، پایانامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۴- حسامیان، فرخ. (۱۳۵۸). وابستگی و شهرنشینی (مجموعه مقالات)، تهران.
- ۱۵- رزاقی ابراهیم. (۱۳۶۹). الگویی برای توسعه اقتصادی در ایران، نشر توسعه
- ۱۶- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۰). کند و کاوها و پنداشت ها، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- ۱۷- روکس بروف، یان. (۱۳۷۰). بررسی نظریه‌های توسعه نیافتگی، ترجمه علی هاشمی گیلانی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۸- روکس بروف، یان. (۱۳۷۰). بررسی نظریه‌های توسعه نیافتگی، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران، نشر توسعه.
- ۱۹- ریورو، اسوالدود. (۱۳۸۳). افسانه توسعه اقتصادی ناکارآمد قرن ۲۱، ترجمه محمد عبدالله زاده، تهران، نشر اختر
- ۲۰- زرشناس، شهریار. (۱۳۷۷). توسعه، تهران، انتشارات کتاب صبح
- ۲۱- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۴). روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۱ و ۲ و ۳.
- ۲۲- سانتوس دوس و همکاران. (۱۳۵۸). توسعه و توسعه نیافتگی، ترجمه فرخ حسامیان، نشر ایران
- ۲۳- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۱). توسعه جهان سوم و نظام بین‌الملل، تهران، نشر سفید.
- ۲۴- سهراب زاده، مهران. (۱۳۷۱). نقش سنت در توسعه، مجله توسعه و فرهنگ، ش ۲.
- ۲۵- سید میزایی، محمد. (۱۳۶۵). تحلیل دقیق بر مفهوم توسعه نیافتگی، نشریه دانشکده شهید بهشتی، سال ۱ شماره ۲

- ۲۶- شهزادی، هرمز. (۱۳۶۴). کاربرد شاخص های اجتماعی- اقتصادی در برنامه ریزی های توسعه، انتشارات برنامه و بودجه، چاپ اول.
- ۲۷- عذاریان، عبدالمیر. (۱۳۸۵). بررسی عوامل باز دارنده اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی توسعه در دشت آزادگان، دانشگاه آزاد واحد شوشتر.
- ۲۸- عظیمی، حسین. (۱۳۷۱). دین و فرهنگ و توسعه، کتاب توسعه، شماره ۳.
- ۲۹- غنی نژاد، موسی. (۱۳۷۷). تجزیه طلبی و توسعه در ایران معاصر، نشر مرکز
- ۳۰- فراهانی، محمد. (۱۳۸۳). کالبد شناسی توسعه در ایران، تهران، نشر پرسمان.
- ۳۱- فکوهی، ناصر. (۱۳۷۹). از فرهنگ تا توسعه، تهران، نشر فردوس.
- ۳۲- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۲). چالش های توسعه سیاسی، تهران، نشر قومس.
- ۳۳- کارشناس، مجید. (۱۳۷۶). زمینه مردم شناسی، انتشارات کانون پژوهش
- ۳۴- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۷۹). جامعه شناسی توسعه روستایی، شیراز، نشر رز.
- ۳۵- محمدزاده، عباس. (۱۳۷۶). مدیریت توسعه، تهران، انتشارات کتب درسی، چاپ دوم.
- ۳۶- مدرسی، منصور. (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی واژگان برنامه ریزی توسعه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- ۳۷- مدنی، امیر. (۱۳۶۷). استراتژی های توسعه اقتصادی (مقایسه روش های ایران با کره جنوبی)، تهران
- ۳۸- منصور فر، کریم. (۱۳۷۴). (روش آمار و ویرایش). تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۹- موسی نژاد، (۱۳۸۳). مجموعه مقالات، ایلام، چاپ اداره ارشاد اسلامی ایلام.
- ۴۰- نراقی، یوسف. (۱۳۷۵). توسعه در کشورهای توسعه نیافته، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.

۴۱- نوابخش، مهرداد و ارجمند سیاهپوش، اسحاق. (۱۳۸۸). مبانی پایدار توسعه شهری،

تهران، انتشارات جامعه شناسان

۴۲- هاین، ولفگانگ. (۱۳۷۴). کتابشناسی مدل های توسعه، ترجمه آرش برومند، تهران نشر

خوارزمی

۴۳- هریسون، دیوید. (۱۳۷۶). جامعه شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه دکتر علیرضا کلدی،

ناشر دانشگاه علوم بهزیستی.

۴۴- هومن، حیدرعلی. (۱۳۷۳). شناخت روش علمی در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات

پارسا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی